

به نام خدا

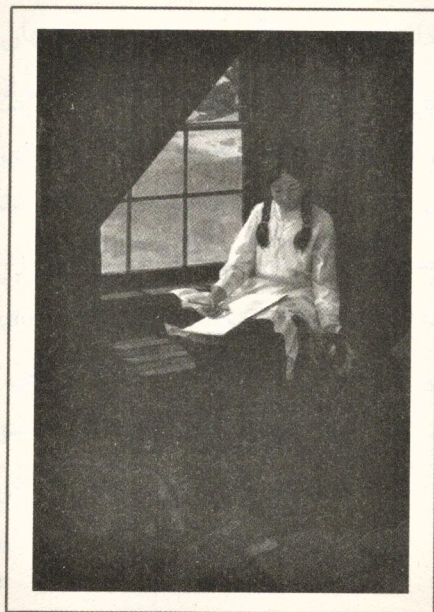
امیلی در نیومون

ال.ام. مونتگمری
ترجمه‌ی سارا قدیانی

کتاب
وز



سه‌گانه‌ای از نویسنده‌ی
آنی تتری



خانه‌ی توی گودال

خانه‌ی توی گودال، به قول اهالی می‌وود^۱ در یک مایلی "همه‌جا" بود. خانه‌ای در دره‌ای کوچک و سبز که در نگاه اول احساس می‌کردی به یک‌باره مثل قارچی بزرگ و قهوه‌ای از زمین سر برآورده است و باور نمی‌کردی کسی ذره‌ذره آن را ساخته باشد. خانه در انتهای راه باریکه‌ای دراز و سبز قرار داشت و در حلقه‌ای از توسکاهای جوان تقریباً پنهان شده بود. با اینکه روستا درست آن سوی تپه قرار داشت اما هیچ‌یک از خانه‌هایش از آنجا دیده نمی‌شد. *الن گرین*^۲ می‌گفت آنجا سوت‌وکورترین جای دنیاست و خودش هم اگر دلش به حال آن بچه نمی‌سوخت، یک روز هم آنجا دوام نمی‌آورد.

امیلی خبر نداشت کسی به حالش دلسوزی می‌کند و درضمن معنی سوت‌وکور را هم نمی‌دانست. او کلی دوست و رفیق داشت. پدرش کنارش بود. *مایک*^۳ بود. *سوسی* سال^۴ بود. خانم باد همیشه آن دوروبرها بود، درخت‌ها هم

1. Maywood

2. Ellen Greene

3. Mike

4. Saucy sal